



گزیده‌ی

اشعار جرین لاهیجی

گلستان شعر و ادب فارسی

(۲۴)

تألیف

عباس یزدی

انتشارات فرهنگ دانشجو

سرشناسه: خزین لاهیجی، محمد علی بن ابی طالب ۱۱۰۳-۱۱۸۰ ق.
عنوان و پدیدآورنده: گزیده‌ی اشعار خزین لاهیجی / به کوشش عباس یزدی
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ دانشجو، ۱۳۹۰
فروست: گُلستان شعر و ادب فارسی (۲۴)
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۴۱-۶
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۲ ق. ۶۴ ص.
رده بندی دیویی: ۸۱۵/۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۳۸۷۱۲

انتشارات فرهنگ دانشجو

عنوان : گزیده‌ی اشعار خزین لاهیجی
بکوشش : عباس یزدی
ویراستار : فرزانه یزدی
طرح جلد : فرشاد
چاپ : سپهر
ناشر : فرهنگ دانشجو
نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۲
شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
قیمت : ۵۸۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.
انتشارات فرهنگ دانشجو: خیابان انقلاب - خیابان بهار - برج بهار
طبقه پنجم - واحد ۵۹۹
تلفن: ۰۹۱۲۳۱۳۷۵۹۵ - ۷۷۶۱۶۹۵۴ - ۷۷۶۱۶۳۵۱
فکس: ۷۷۶۱۶۴۸۲
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۴۱-۶
ISBN 978-964-8479-41-6

فهرست مطالب

تقدیم به:	چهار
پیشگفتار	پنج
شرح حال حزین لاهیجی	هفت
در مدح پیامبر ﷺ	۲
در مَنَقَبَت (۱) امیرالمؤمنین علی علیه السلام	۴
غزل‌ها	۴
مثنوی‌ها	۴۱
حکایت عطار نیشابوری	۴۱
حکایت (۱)	۴۲
حکایت (۲)	۴۳
حکایت (۳)	۴۳
حکایت بدکاران و نیکوکاران	۴۴
قطعه‌ها	۴۵
در باره برخی از مردم	۴۵
تضمین شعر سعدی	۴۵
قصیده‌ها	۴۵
در مدح حضرت محمد ﷺ	۴۵
در مدح امیر مؤمنان علی علیه السلام	۴۷
رباعی‌ها	۴۹
فهرست انتشارات فرهنگ دانشجو	۶۴

تقدیم به:

مردم عزیز ایران و دوستداران شعر و ادب فارسی در سرتاسر جهان و هدیه به روان پاک شاعران، دانشمندان، نویسندگان و مترجمان ارجمندی که عمر عزیز و گرانمایه‌ی خود را تا آخرین لحظات حیاتشان، خالصانه در راه اعتلای فرهنگ و ادب فارسی و تربیت و هدایت جوانان این مرز و بوم صرف نمودند و آثاری جاودانه و ماندگار از خود به یادگار گذاشتند.

روحشان شاد و یادشان پیوسته گرامی.

آمزش من از تو خدایا غریب نیست	از بنده جُرم و عفو ز مولا غریب نیست
افتاده‌ام به خاک دلت از به نیاز	راهم دهی به عالم بالا غریب نیست
سودی نمی‌رسد به تو از طاعت کسی	گر بگذری ز جُرم برایا غریب نیست
از بنده دور نیست که جرم و خطا کند	بخشیدن از خدای تعالی غریب نیست
اقرار می‌کنم به گناهان خویشتن	رحمی کن ای کریم و بیخشا غریب نیست
گر معصیت سزا نبود معصیت مبین	بی‌چارگی بین ز تو این‌ها غریب نیست
از من غریب نیست که سوزم در آتش	ور تو دهی به نزد خودت جا غریب نیست
از حد خود زیاده اگر می‌کنم طلب	در حضرت کریم تمنا غریب نیست
فیض است و درگه تو از این در کجا رود	الحال بر در تو خدایا غریب نیست

دارم مُحَبَّتِ نبی و خاندان او

گر در جوارشان دهیم جا غریب نیست

پیشگفتار

ای نام تو زینتِ زبانها! حمدِ تو طرازِ داستان‌ها^(۱)
ای بر رخ عالمِ درت باز انجام مرا رسان به آغاز
پیدا ز غدم^(۲) جهان گُنی تو هر چیز که خواهی آن گُنی تو
سرچشمه‌ی هستی از تو جاری است
امرِ تو به کاینات ساری است

آثار ادبی ایران، باز تاب اندیشه‌ها، باورها، هنرمندی‌ها و عظمت روحی و معنوی ملت بزرگ ایران است که از دیرباز تاکنون حوادث پر فراز و نشیب بسیاری را پشت سر گذاشته و امروز بدست ما رسیده است. غنای این آثار، نشان دهنده‌ی تجربه‌ها، ژرف‌اندیشی‌ها و تلاش و کوشش فرزندان ادب و فرهنگ ایران و عظمت روح بلند و حقیقت جوی آنان است. هر برگ از ادب و فرهنگ ایران زمین، جلوه‌گاه نمایش آثار منظوم و منثور شاعران مشهوری چون فردوسی، نظامی، سعدی، حافظ، سلمان ساوجی، ناصرخسرو، خیام، سنایی، شیخ عطار، مولانا، جامی، صائب تبریزی، فیض کاشانی، وحشی بافقی، پروین، ایرج میرزا، بهار، الهی قمشه‌ای، شهریار و نویسندگانی چون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، عین‌القضات همدانی، ابوالفضل بیهقی، غزالی، قائم مقام فراهانی دهخدا، معین و دیگران است که با برخورداری از فرهنگ اسلامی و ذوق و کوشش فراوان خویش، آثار ماندگاری خلق کرده و سرمایه‌های گرانبهایی را به یادگار گذاشته‌اند که جاذبه و شیرینی این آثار هر صاحب‌دلی را مست و مسحور می‌کند و این شعر دلنشین مولانا را در گوش جان زمزمه می‌کند که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

مطالعه‌ی دقیق و عمیق این آثار، نه تنها جان را طراوت و شادابی می‌بخشد، بلکه روح را به پرواز در می‌آورد و ذهن انسان را خلاق و شکوفامی‌سازد. زیرا هر بیت از این اشعار که الهام گرفته از کتاب وحی و بیانات اهل عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌باشد، درسی است

برای امید و زندگی و گامی بسوی عشق. عشقی که بنیان هستی و آفرینش انسان بر آن
نهاده شده است و به قول حضرت مولانا:

هرچه گویم عشق را شرح و بیان چون به عشق آیم، خجل باشم از آن
شرح عشق را از من بگویم بر دوام صد قیامت بگذرد و آن ناتمام

خواجه حافظ چه شیرین سروده است:

در ازل پیر تو حسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
جلوه‌ای کرد رحمت، دید ملک تاب نداشت عین آتش شد ازین غیرت و بر آدم زد

حکیم عمر خیام نیشابوری نیز در باره‌ی عشق چه عالی سروده است:

افسوس بر آن دل که در آن سوزی نیست سودا زده‌ی بهر دل افروزی نیست
روزی که تو بی عشق به سر خواهی بُرد ضایع تر از آن روز تو را روزی نیست

و چه خوش گفته است حکیم نظامی که :

اگر بی عشق بودی جانِ عالم که بودی زنده در دورانِ عالم؟
کسی کز عشق خالی شد فسرده است گریش صد جان بود، بی عشق مرده است
ز سوز عشق خوشتر در جهان نیست که بی او گُل نخندید، ابر نگریست

اکنون خدای بزرگ را شاکرم که این توفیق را به من داد تا فطره‌ای از دریای بیکران آثار
این بزرگان را در اختیار علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی قرار دهم.

خدوندا بسی بی‌هوده گفتم فراوان بوده و نابوده گفتم
چو از ما افتاد این کار ما را خداوندا به ما مگذار ما را
کسی کو در دعا آرد مرا یاد همه وقتی نگهدارش خدا باد

غرض زین جمله آن کز ما کند یاد

عزیزی گویدم رحمت بر او باد

با آرزوی موفقیت - عباس یزدی